

مشروطه؛ پیشینه شوم «اعتماد به غرب»

۱۵ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۲

با نگاهی به تاریخ مشروطه می‌توان دریافت «اعتماد به غرب» نه تنها کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند بلکه با افول بنیان‌های نیم‌بند دموکراسی زمینه استعمار و استثمار را برای غرب در ایران به وجود می‌آورد

جنبش مشروطه یکی از بزرگترین تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود؛ دوره‌ای که گفتمان غالب آن اعتماد به غرب و اقتباس از آن بود و در این زمینه تبلیغات وسیعی صورت گرفت تا القاء کنند انگلستان به عنوان ناجی مشروطه است.

این ظاهرسازی‌ها و تبلیغات گسترده حتی موجب شد تا بسیاری از گروه‌های مخالف حضور سیاست انگلستان در ایران نیز از موضع خود عقب نشینی کرده و اعتماد به غرب را بپذیرند ولی نتیجه "اعتماد به غرب" موجب شد تا از دل مشروطه دیکتاتوری رضاخان سربرآورد.

اما در دوران مشروطیت روحانیون شیعه با ورود جدی به این نهضت، دوره نوینی از طرح نظریات مختلف درباره مبانی سیاسی مشروطه را با بهره‌گیری از میراث فقه سیاسی شیعه بنیان گذاشتند. در این میان شیخ فضل‌الله نوری با طرح نظریه مشروطه مشروع به مبارزه با بدعت‌گذاری سکولارهای غربگرا برخاست. وی که باور داشت نظام مشروطه در تضاد مستقیم با مبانی شریعت است تلاش کرد تا از افول ارزش‌های اسلامی در ایران جلوگیری کند.

این برهه از تاریخ تقابلی از رویکرد "اعتماد به غرب" و "عدم اعتماد به غرب" شکل گرفت که گذار تاریخ نشان می‌دهد در نهضت مشروطه هم اعتماد به غرب راه به جایی نبرد و دیکتاتوری را در ایران حاکم کرد.

هدف اصلی مشروطه خواهان رهایی از یوغ استبداد داخلی به هر قیمت ممکن بود تا جایی که برای رسیدن به این مهم حتی به دامان استکبار خارجی پناه بردند. روشنفکران مشروطه خواه که مشروطه را با قالب غربی پذیرفته بودند با تحصن در سفارت انگلستان اصلی‌ترین عنصر جنبش، یعنی استقلال را نادیده گرفتند. بدین ترتیب با بست نشینی در سفارت انگلیس، علاوه بر اینکه قداست جنبش را زیر سوال بردند، سنت تحصن در سفارت خانه‌های بیگانه را نیز بنیان نهادند.

این در حالی بود که علما ابتدا در حرم حضرت عبدالعظیم و سپس در قم تحصن کرده بودند. این حرکت در نهایت به امضای فرمان

مشروطه از سوی مظفردالدین شاه منجر شد و بدین ترتیب صحنه سیاسی کشور دچار دگرگونی شد اما این پایان ماجرا نبود.

*** تقابل گفتمان "اعتماد به غرب" و "عدم اعتماد به غرب"

در حالی که اوضاع سیاسی کشور به سمت سکولاریزه شدن می‌رفت شیخ فضل الله نوری با تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم گفتمان نوینی را بنیان نهاد. وی که خواستار نظارت علما در قوانین مجلس بود آرای خود را در مجموعه ای که بعدها به «لوايح شیخ فضل الله» معروف شد منتشر کرده و مبارزات خود را ادامه داد. [۱] عمده نظرات مطرح شده توسط شیخ در رسائل خود ناظر به نقد جریان مشروطه خواهی سکولار است. به عنوان مثال اگر شیخ فضل الله در مقام ضدیت با آزادی بر می‌آید، این ضدیت در واقع واکنش به خواسته مشروطه خواهان غربی از طرح مسئله آزادی است. در واقع شیخ با آن نوع از آزادی که مدنظر روشنفکران غرب زده است مخالف بوده و آن را در تعارض با شریعت اسلام می‌داند. [۲]

در حالی که مشروطه خواهان و مشروعه خواهان به دنبال تبیین آرای خود بودند، تداوم دشمنی محمدعلی شاه با مشروطه، به کودتای نظامی وی علیه مجلس ختم شد. اما دیری نپایید که دوران استبداد صغیر نیز پایان یافت و فاتحان تهران محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کردند.

اینک نوبت شیخ فضل الله بود تا با غضب مشروطه طلبان مواجه شده و در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ بر دار کشیده شود. شیخ که حافظ منافع شریعت بود تا پای دار همچنان بر نظرات خود تاکید کرد و هرگز حاضر به عقب نشینی نشد. وی به دلیل حضور و فعالیت برخی جریان های غیر اسلامی و گاه ضد اسلامی، کوشید تا با نقد مبانی نظری نظام مشروطیت به دفاع از مبانی اسلام برخیزد و به دلیل باورهای دینی عمیقی که داشت حاضر شد تا در این راه از جان خود نیز بگذرد. این ایستادگی شیخ تا پای جان به وضوح نشان دهنده دغدغه وی در حفظ اسلام و باور قلبی او می‌باشد. [۳] به تعبیر امام خمینی (ره) «جرم شیخ این بود که قانون باید اسلامی بوده و موافق اسلام باشد.» [۴]

اعدام شیخ فضل الله پیش زمینه ای برای تفوق غرب بر ایران شد. در همین رابطه جلال آل احمد در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» می‌نویسد: «من نعلش آن بزرگوار را بر سردار همچون پرچی می‌دانم که به علامت استیلای غرب زدگی پس از ۲۰۰ سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد» [۵]. از این پس، انگلستان با دور کردن علما از سیاست، صحنه را برای فعالیت روشنفکران غربگرا آماده ساخت. گفتمان غالب در این دوران اعتماد به غرب بود به طوری که تبلیغات وسیع در این زمینه باعث شد تا انگلستان به عنوان ناجی مشروطه خواهان معرفی شود. این ظاهرسازی ها و تبلیغات گسترده حتی موجب شد تا بسیاری از گروه های مخالف حضور سیاست انگلستان در ایران نیز از موضع خود عقب نشینی کرده و اعتماد به غرب را بپذیرند. نتیجه آنکه از دل جنبش مشروطه دیکتاتوری رضا خان سربرآورد.

اما تاریخ تکرار شده و آنچه در هیاهوی مشروطیت رخ داد امروز نیز اتفاق می‌افتد. در آن دوران عده ای از روشنفکران غربگرا آواز

اعتماد به غرب سر داده بودند و پیشرفت کشور را منوط به ارتباط به غرب می دانستند.

امروز نیز گروهی از روشنفکران که به عقیده خود به دنبال ترسیم آینده ای روشن برای ایران هستند با تبلیغات پر دامنه خواهان اعتماد و ارتباط با آمریکا هستند ولی این گروه توجه نمی کنند که تاریخ گواهی می دهد ارتباط با غرب راه پیشرفت نیست بلکه تجربه تلخ مشروطه را تکرار می کند.

پی نوشت:

۱. حسین آبادیان، مبانی نظری حکومت مشروطه مشروعه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۴۰.
۲. غلامحسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، تهران: کویر، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲.
۳. علی محمد طرفداری و جمال رضایی، «تاملی در مبانی نظری و ضرورت های تاریخی نظریه مشروطه مشروعه شیخ فضل الله نوری»، تهران: فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و یکم، ۱۳۹۰، ص ۲۰.
۴. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۱۷۵.
۵. جلال آل احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران. تهران، انتشارات خوارزمی، جلد دوم، صفحه ۴۰۲.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۸۷۴/غرب-اعتماد-شوم-پیشینه-مشروطه>